

سیک برنامه‌ریزی



سرقت جرم است ولی بعضی چیزها را باید ربود

فرصت‌ها را بقایید!

■ مر ضیه‌بامیری

تا حالا به فکر سرقت چیزی افتاده‌اید؟ از چیزی خوشتان بیاید یا به چیزی نیاز داشته باشید و دلتان بخواهد به هر قیمتی آن را داشته باشید؟ دست به سرقت بزنید و هدف مورد نظر را شکار کنید؟ شده دست به ربودن چیزی بزنید؟ در این دنیا چیزهای زیادی هستند که ارزش ربودن دارند. انسان باید هوشیار باشد تا در اولین موقعیت مناسب آن را شکار کند. در سست مثل شانس که می‌گویند

■ **۲۴ ساعت فرصت ناب را در پایید**

اولین داریی هر فردی که معمولاً از داشتنش راضی نیست، زمان است. همه ما طبق یک عدالت عمومی صاحب ۲۴ساعت وقت در شبانه‌روز هستیم. ولی برنامه‌ریزی برای این ۲۴ساعت کاملاً به عهده خودمان است. یکی دلش می‌خواهد به خواب بگذراند. یکی به سفر، یکی به کار و دیگری تماشای فیلم. یکی دلش می‌خواهد از عمر استفاده بهینه کند و اهل شاد زیستن و در لحظه بودن است و یکی آینده‌نگر و اهل پول درآوردن و تلاش. داریی مورد سرقت زمان گرانبه‌است. حالا یکی دلش می‌خواهد خرج خوابیدن و تفریح کند و دیگری به هدفش درست مثل دزدی که گاهی جواهر می‌دزدد و گاه آفتاب!

برای داشتن یک زندگی موفق و رسیدن به اکثر خواسته‌های خودتان در مسیر مشخص زندگی که سر و تهش معلوم است، لازم است سارقان حرفه‌ای زمان باشید و بتوانید این جواهر گرانبهارا در هر حالتی پیدا کنید. مثلاً اگر در اتوبوس یا مترو نشست‌اید تا رسیدن به مقصد مطالعه کنید یا با یک هدفون ساده امور آموزشی خود را مثل زبان خارجی دنبال کنید. اگر بی‌خواهی به سرتان زده و الکی در رختخواب غلت می‌زنید، برخیزید و کمی به کارهای عقب افتاده فردا برسید. مدیریت وقت‌های تلف شده مهم‌ترین چالش زندگی انسان‌های موفق است. آنها می‌توانند بین تفریح و استراحت و وقت تلف شده تمایز قائل شوند و از تمام پرتی‌ها به نفع

سیک تربیت

■ تلخیص: سلما سلطانی

مادر و پدرها حدوداً همه چیز را جدی می‌گیرند و همین باعث می‌شود رفته رفته تبدیل شوند به آدم‌هایی همیشه نگران و وسواسی. هر تغلف یا شیطنت کوچکی می‌تواند به پر خاشی جدی منجر شود. و آنگاه چه؟ مادر و پدرها بابت همین پر خاشگری‌ها و عصیانیت‌ها عذاب وجدان می‌گیرند. اما اگر مشکل نه رفتار و بچه‌ها یا والدین، بلکه انتقال همین وسواسی بودن باشد، آن وقت چه؟

■ ■ ■

این فکرها پیش از همه زمانی به سراغم می‌آیند که می‌بینم میان آن نوع والدی که می‌خواهم باشم و واقعیت رفتارم با فرزندام فاصله بسیار است. مسئله همان فاصله میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها در دیگر حوزه‌های زندگی -کار، ازدواج و دوستی- است، اما وقتی پای والدگری در میان باشد، بیش از هر زمان دیگر با احساس خودرشنگرگی قرین می‌شود. من در تصور خود پدری آرام، خونسرد و در کل خوش‌مشرب هستم که به‌ندرت اقتدار گرامی شوم و همواره از نظر ذهنی برای پذیرش بچه‌هایم آماده‌ام. اما واقعیت این است که من نیمی از زمان را مشغول حرف‌زدن با تلفن هستم، به راحتی با تحریک‌های کم‌اهمیت برانگیخته می‌شوم و در مواجهه با درگیری و بدرفتاری بی‌دلیل در گیر احساسات می‌شوم.

■ همین اواخر، یک روز صبح داشتم

سعی می‌کردم پسرم را متقاعد کنم که صبحانه‌اش را بخورد و لباس بپوشد تا بتوانیم پیاده به مدرسه‌اش برویم. داشت به خواهر کوچک‌ترش کرم می‌ریخت، بعد هم کمی دنبال هم کردند و بیج‌های الکی کشیدند. با لحن تندی که با توجه به قانون شکنی مختصری که رخ داده بود و اصلاً مناسب فضانبود، گفتم: «پس است دیگر.»

دخترم در میانه سه‌سالگی رگه‌هایی از

خودشان در بازی استفاده کنند. پس زمان را دریابید و هر جا آن را یافتید، بی‌مغلی بدزدید.
■ **سارق افکار و ایده‌های نو باشید**
هر جا این مقوله را دیدید، دو دستی به آن بچسبید و رهایش نکنید. این روزها ایده‌های نو برای زندگی بسیار حائز اهمیت است. یک دفتر یاداشت همراه خود داشته باشید تا کار همان کیسه پول دزد‌ها را انجام دهد. هر جا مطلب یا ایده‌ای به ذهنتان رسید، بلافاصله آن را در دفتر یادداشت کنید. اوایل این کار مسخره به نظر می‌آید و البته بیهوده ولی کم کم شما صاحب یک دفتر پر از ایده می‌شوید که هر جا در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرید می‌توانید به آن دفتر رجوع و گره خود را باز کنید. می‌توانید ایده‌های مؤثر را ملکه ذهنتان و در مواقع لازم از آنها استفاده کنید. از یکی نکته‌های آشنیزی فراگیرید، از یکی قواعد باغبانی و از دیگری خلایق‌های تربیت‌فرزند. مهم زمان طلایی سرقت فکر و ایده‌های ناب است و همیشه اولین‌ها موفق‌ترند.

■ **گشتی در هوای احساس و شعور بزنید**

در هوای احساس و شعور قدم بزنید و هر جا لازم بود، بخشی از آن را در کیسه جادویی خود بگذارید. فکر روزهای میبادا باشید. کمی احساس برای برخورد با فرزندان برارید. احساس و شعور برخورد با آدم‌ها را یاد بگیرید. هسر چیزی را که باعث بالا رفتن سطح شعورتان می‌شود برارید و در کیسه بگذارید. اگر هم کیسه سنگین شده است، بارهای اضافی را در وقت مقتضی دور بریزید. بار خودخواهی و بدخلفی و غرولند

یک بار در خانه را می‌زند و تو باید بیدار و آگاه باشی تا صدای پایش را بشنوی. البته که دزدی یک عمل تقبیح شده از منظر اجتماعی و شرعی است. هیچ‌کس به دزدها احترام نمی‌گذارد و هیچ نهادی از آنها جز با مجازات سخت پر خورودی نمی‌کند، ولی سرقتی که مد نظر ماست کاملاً شخصی بوده و در ظاهر همه چیز خوب و آرام است. در حالی که سلول‌های خاکستری مغز به تکاپو افتاده‌اند و زیر پوستی به سرقت خود ادامه می‌دهند و پر خالف دزدی‌های

را دور بریزد تباری مهربانی و احساس خوشایند زندگی جایز شود.

■ **آرامش را شکار کنید**

آرامش را هر جا دیدید، بی‌مغلی در کیسه بگذارید. آدم‌های زیادی روی کره زمین هستند که به رغم داشتن آسایش کافی بلد نیستند آرامش لازم را کسب کنند. نمی‌توانند از زندگی لذت ببرند و مدام در حال کار کردن و پول درآوردن هستند. پس هر جا نشانی

آرامش را هر جا دیدید بی‌مغلی در کیسه بگذارید.

آرامش را هر جا دیدید بی‌مغلی در کیسه بگذارید. آدم‌های زیادی روی کره زمین هستند که به رغم داشتن آسایش کافی بلد نیستند آرامش لازم را کسب کنند. نمی‌توانند از زندگی لذت ببرند و مدام در حال کار کردن و پول درآوردن هستند. پس هر جا نشانی از آرامش یافتید، بی‌مغلی در کیسه بگذارید. حتی اگر کوچک باشد.

اگر چه در حد حس خوشایند بویید یک گل باشد یا استشمام بوی نان تازه

سیک زندگی

سیک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

د

یکی دلش می‌خواهد زمان را خرج خوابیدن و تفریح کند و یکی از ذره‌ذره وقت‌های تلف‌شده استفاده می‌کند در مسیر رسیدن به هدفش. در ست مثل دزدی که گاهی جواهر می‌دزدد و گاه آفتاب!ه برای داشتن یک زندگی موفق و رسیدن به اکثر خواسته‌های خودتان در مسیر مشخص زندگی که سر و تهش معلوم است لازم است سارقان حرفه‌ای زمان باشید و بتوانید این جواهر گرانبهارا در هر حالتی پیدا کنید

معمول که با نبودن چیزی بلافاصله صاحب و وسیله متوجه نبودنش می‌شود، در این شیوه به ندرت کسی متوجه روده شدن داشته‌هایش می‌شود یا بر خلاف نوع اول ضرر چندانی برای صاحب اثر ندارد. لابد گنجکاو شده‌اید بدانید آن چیست که هم سرقت است و هم به آن توصیه می‌شود؟ بیایید با هم بخشی از این لیست را مرور کنیم. برای ربودن هر کدام از این موارد باید مهارت کافی را کسب کنید و بی‌گدار به آب نزنید. نتیجه هم تضمین شده است و شما به هدفتان می‌رسید.

از آرامش یافتید، بی‌مغلی آن را برارید. حتی اگر کوچک باشد. اگر چه در حد حس خوشایند بویید یک گل باشد یا استشمام بوی نان تازه. بسیاری از ما بازنده زندگی شهری هستیم و آرامش را لابه‌لای دود و دم آسمان و شلوغی ماشین‌ها گم کرده‌ایم. ولی بعضی‌ها مثل قرقی آرامش را از روی زمین می‌ی‌ی‌ایند. آنها شهاد زندگی می‌کنند و مدام دنبال یک بهانه برای آرام شدن هستند. یکی با کمک سه دیگری خوشحال می‌شود یکی با هدیه دادن و گرفتن، یکی با... آرامش گوهر گرانبهایی است که هر جا آن را دیدید، بی‌مغلی و بدون قوت وقت برارید و به مالکیت خودتان دربرایور.

■ **دوستی‌های مفید را برپایید**

دوستی‌های مفید و تأثیر گذار به تعداد انگشت‌های دست هستند. کم و گرانبهارا اگر جایی دوستی مفید یافتید که نواست شما را برای زندگی سر ذوق بیاورد و در رسیدن به اهدافتان یاری کند، بی‌مغلی دستش را بفشارید و دعوت دوستی‌اش را لبیک بگویید. ربودن کاری است که مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد تا داشته‌های معتبر شما را برپایند، چیزهایی که مثل آورده‌های شما جذاب و مفید نیستند و با نبود هر یک از آنها شما را به دردسر می‌اندازند. مثل از دست دادن شرف یا انسانیت یا حتی سر سوزنی از عدالت و اعتماد! راستی قاییدن زیرباز از ربودن است. فرصت‌ها را بقایید!

سیک معیشت



نگاهی به عواقب فردی و اجتماعی رباخواری

بیع کنید و ربا نخورید

■ **زهر اهنربخش***

رباخواری به حدی زشت و ناپسند است و عواقب بدی دارد که در قرآن کریم در آن به «اعلان جنگ با خدا و رسولش» یاد شده و از گناهان کبیره است. همچنین در قوانین مجازات اسلامی هم برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. البته تشخیص معاملات ربوی از غیر ربوی و اینکه چگونه‌از معاملات ربوی دوری کنیم، مسئله مهمی است که شاید بسیاری از ما از آن اطلاع نداشته باشیم.

برورد گار بلند مرتبه در آیه ۲۷۵ سوره بقره دربارۀ «رباخواران» می‌فرماید: کسانی که ربا می‌خورند، در قیامت ابر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده است! و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند.

گاهی به زمین می‌خورد، گاهی به پا خیزد اُدر حالی که خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام

و اگر کسی اندرز الهی به او برسد، و! از رباخواری آخودداری کند، سودهایی که در سبایق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست؛ و کار او به خدا واگذار می‌شود! و خداوند گذشته او را خواهد بخشید. اما کسانی که بازگردند! و بار دیگر مرتکب این گناه شوند اهل آتشند و همیشه در آن می‌مانند.

طبق آیه این رباخواران در روز قیامت، وقتی وارد محشر می‌شوند، همچون آدم‌های مست و دیوانه و انسان‌های مبتلا به صرع هستند که نمی‌توانند تعادل خود را حفظ کنند و به محض برداشتن چند قدم به زمین می‌خورند و دوباره بلند می‌شوند.

این عاقبت وحشتناک باعث جلب توجه اهل محشر می‌شود و همگان متوجه می‌شوند که اینان رباخوران هستند.

پروردگار مهربان معامله را حلال و رباخواری را حرام کرده است، زیرا در «بیع و معامله» مصلحتی وجود دارد! اما در «ربا» نه تنها مزایایی نیست، بلکه مفاسد و معایبی نیز وجود دارد. در معامله‌گاهی سود و منفعت وجود دارد، گاهی زیان، ولی در ربا اینطور نیست. رباخوار همیشه سود مالی می‌برد و هیچ‌گاه ضرر مادی نمی‌بیند.

در ربا خسارت همیشه سهم وام‌گیرنده است. از همین جهت که رباخوار آسیب و ضرری را در احتمال نمی‌شود، اموال او را «گنج بی‌رنج» نام نهنداد.

همچنین رباخوار باعث ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه است، زیرا اگر رباخواری در جامعه گسترش

یابد، با گذشت زمان، ثروت در نزد رباخواران

اندوخته می‌شود و دیگران به فقر می‌رسند. اما

در روایات اسلامی عاقبت بدی برای رباخوار یاد شده است که این نوع سرنوشت متعلق به هر دو جهان است. در تفسیر «نورالقلین» روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که ایشان فرمودند: رباخوار در همین دنیا به سرنوشت دیوانه گرفتار خواهد شد. از آنجایی که در قرآن مثلاً جنون به شیطان نسبت داده شده است، نسبت جنون به شیطان به این خاطر است که خداوند مجازات این آدم‌های گنهکار را سلسله شیطان بر آنها قرار داده است و تسلط شیطان منجر به نگرانی و جنون آنها می‌شود. مجازاتی که در قرآن کریم برای خطا و گناهی مشخص شده است، با آن گناه تناسب دارد؛ مجازاتی که برای رباخوران بیان شده، با جرم ربا

د

میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد مادی، اختلاف زیادی وجود دارد.

مهم‌ترین فرق بین این دو، این است که اقتصاد اسلامی با اخلاق و اصول انسانی گره خورده و توأم است، در حالی که اقتصاد مادی، نه تنها عاری از عاطفه و اخلاق است، بلکه اصل حاکم بر آن فقط منافع مادی است. از این رو هر چیزی که در تعارض و تضاد با آن باشد، فدای سود مادی می‌شود

^[1] سبک زندگی 8849471